

اصل اخلاقی مدارا و رابطه آن با اقتدار ملی در قرآن و روایات

با تاکید بر سخنان مقام معظم رهبری و علامه مصباح یزدی

اکرم صادقی مقدم^۱

چکیده

بررسی مبانی دینی مدارا نشان می دهد مدارا جزء لاینفک حاکمیت دینی و یک فضیلت اخلاقی و اصل حقوقی سیاسی است و شیوه مناسبی برای تأسیس سرمایه اجتماعی در جامعه و کاهنده تنشهای اجتماعی و سیاسی بین گروهی است. رفق و مدارا یکی از مولفه های تقویت اقتدار ملی است که با تقویت انسجام ملی و مقبولیت مردمی و مشروعیت سیاسی، همچنین ایجاد و تقویت امنیت پایدار و تقویت اخلاق الهی، بر اقتدار سیاسی و معنوی نظام تاثیر گذار است. علامه مصباح یزدی (ره)، رفق و مدارا، را صفت شایسته و لازمه رهبری می دانند و با تاکید بر تفاوت بین مدهانه و سازشکاری با مدارا آن را باعث تقویت مقبولیت و مشروعیت حاکمیت و افزایش قدرت اجتماعی و سیاسی جامعه می داند. مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) با تاکید بر لزوم حفظ وحدت در جامعه، به عنوان مولفه مهم اقتدار ملی، متولیان اجرای امور را در برخورد با مردم توصیه به مدارا و رأفت می نمایند و آن را اصل اخلاقی حاکم بر منش سیاسی امیر المومنین (ع) معرفی می نمایند. این مقاله از نوع پژوهش بنیادی است که با روش کتابخانه ای با رویکرد توصیفی تحلیلی به بررسی اصل اخلاقی مدارا و رابطه آن با اقتدار ملی می پردازد.

کلید واژگان: مدارا، اقتدار ملی، مقام معظم رهبری، مصباح یزدی

^۱ - دانش آموخته سطح ۲، مرکز آموزش های غیرحضورى حوزه های علمیه خاوران.

پیدایش اختلاف در بینش و منش انسان ها امری ضروری در نظام هستی است که از طبیعت آفرینش انسان و اختلافات موجود در منظومه هستی نشأت می گیرد، یک جامعه با توجه به تنوع قومیتی، دینی، ساختار خاص شهری و روستایی در معرض تنش ها و گسسته های اجتماعی و سیاسی است. ناتوانی در کاهش تنش ها و رفع اختلاف ها از یک سو انسجام و یکپارچگی جامعه را تهدید می کند و از سوی دیگر باعث تقلیل و تضعیف نیروها و مصطهلک شدن قوای درونی جامعه می گردد. با توجه به اهمیت قدرت و اقتدار جامعه و نقش آن در پیشبرد اهداف نظام، اهمیت موضوع تعاملات صحیح بین افراد و راهکارهای کاهش تنش مشخص می گردد.

گام اول در نیل به اقتدار در جامعه، شناخت عوامل و راهکارهای کسب قدرت می باشد. مدارا و قاطعیت دو لبه یک تیغ و دو عامل کنترل تنش در تعاملات، و از عوامل اقتدار حاکمیت، محسوب می شوند.

رهبری جامعه، که در رأس هرم حاکمیت قرار می گیرد نقش مهمی در اقتدار ملی نظام، ایفا می کند، از این رو برای دستیابی، حفظ و افزایش اقتدار ملی، در این نوشتار، دیدگاه های مقام معظم رهبری در این زمینه مورد بررسی قرار می گیرد. همچنین تلاش شده تا از اندیشه های اندیشمند بزرگ و به تعبیر رهبری متفکر برجسته و مدیری شایسته، مرحوم علامه محمد تقی مصباح یزدی (ره) استفاده شود.

در موضوع مدارا و اهمیت آن، همچنین لزوم آن در امر کشورداری، تلاش های علمی و پژوهشی متعددی انجام گرفته است. همچنین کتب، مقالات و پژوهش هایی به بررسی حدود و مرزهای مدارا و خشونت، تساهل و تسامح، مداهنه و سازشکاری و فرق های آن با رأفت و مدارای اسلامی پرداخته اند.

سهراب مروتی در مقاله ای با عنوان «مبانی نظری مدارا در قرآن کریم و سنت معصومین (ع)» به بررسی مبانی دینی مدارا می پردازد.

احسان کاظمی در مقاله خود با عنوان «راهبردهای سیاسی تقویت اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر اولویت بندی مؤلفه های بعد سیاسی قدرت ملی» سرمایه اجتماعی، مشروعیت سیاسی، مشارکت سیاسی، انسجام ملی، اعتماد سیاسی و بسیج سیاسی مردم را عوامل اقتدار حکومت می داند.

علی آقا پیروز در مقاله ای با عنوان «رهبری در مدیریت اسلامی» مدرا و سعه صدر را ویژگی لازم و برجسته رهبری می داند و بیان می کند: «رهبر باید نرمش حداکثری را با شدت حداقلی در سازمان ترکیب کند و در مواجهه با افراد، تا حد امکان نرمش و مدارا نشان دهد».

این مقاله به روش کتابخانه ای در جمع آوری اطلاعات، با رویکرد توصیفی تحلیلی به بررسی مبانی قرآنی وروایی مدارا و اقتدار می پردازد و دیدگاه های مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) و علامه مصباح یزدی (ره) در این زمینه ارائه می گردد.

واژه شناسی مدارا

برای واژه مدارا دو ریشه «دری» و «درأ» محتمل دانسته شده است. در کتاب مفردات راغب در تعریف «دری» آمده است «دری» به معنای آگاهی و شناختی است که از راه مقدماتی پنهان و غیرمعمول و یا فریب، به دست می آید، «درأ» نیز در مفردات راغب، به معنای «دفع کردن و دور نمودن» است. مدارا، از ریشه «درأ» و مصدر از باب مفاعله است و گاهی نیز از «دارأته» و «داريته» می آید. کاربرد این افعال، زمانی است که شخص با پرهیز از درگیری و نزاع با فردی، به نرمی و ملایمت با او رفتار کند. علامه طباطبایی معتقد است که «درأ»، به معنای دفع است. در سوره قصص آیه ۵۴ آمده است: «وَيَذَرُونِ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ»: آنان کسانی هستند که بدی ها را با نیکی دفع می کنند. در توضیح این آیه آمده است که مؤمنان، آزار و اذیت مردم را به وسیله «مدارا» و حلم از خود دور می کردند. بنابراین، در مدارا، مفهوم «پرهیز و احتیاط» نهفته است و از این رو، بیشتر در مورد مخالفان و دشمنان به کار می رود.

در لغتنامه دهخدا معانی متعددی ذیل برای واژه مدارا آمده است: رعایت کردن، صلح و آشتی نمودن، ملایمت، آرامی، آهستگی، نرمی، رفق، مماشات، تسامح، بردباری، تحمل، خضوع و فروتنی و برای مدارا کردن، مهربانی کردن، نرمی نمودن، شفقت، ملایمت نشان دادن، تحمل کردن، بردباری نمودن و سازگاری نشان دادن آمده است.^۱ البته این تعریف به معنای بی تفاوتی نسبت به عقاید مخالف نیست. به تعبیری، «مدارا با اعتقادورزان است، نه با اعتقادات» یا به عبارت دیگر، مدارا منش خردورزانه ای است که در برخورد با اعتقادورزان و صاحبان اندیشه به انجام برسد.

علامه مصباح یزدی (ره) در تبیین مفهوم مدارا می آورد: «مدارا از نظر معنا به «رفق» نزدیک است، زیرا مدارا به معنای نرمی، ملایمت در رفتار، حسن معاشرت با مردم و تحمل ناگواری و آزار آنهاست»^۲ اما مفهوم رفق و مدارا

^۱ - راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۶۷۱.

^۲ - طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۵۵.

^۳ - دهخدا، علی اکبر، لغتنامه

^۴ - مصباح یزدی، ره توشه، ج ۲، درس ۳۶، ص ۲۷۹.

از مفاهیمی است که در اخلاق اسلامی مطرح است و ارزش مثبتی دارد؛ البته آن هم محدوده ای دارد. رفق و مدارا در رابطه بین دو انسان، در شرایط عادی زندگی، معنایی خاص به خود دارد؛ مثلاً این که دو برادر، دو همسر یا دو دوست که در کنار هم زندگی می کنند، در مقام تحقق بخشیدن به نظرات شخصی و سلیقه ای خود به دیگری فشار نیاورند و با هم سازش داشته باشند. نوع دیگری از رفق و مدارا در تعلیم و تربیت است. معلمی که می خواهد واقعاً فراگیر را رشد بدهد، باید سعی کند قدم به قدم و پله پله دانش آموز را پیش ببرد. اگر خواسته باشد تکالیف سنگین بدهد، فراگیر پیشرفت نمی کند و به اصطلاح ذهن او می سوزد. این رفق و مدارا در مقام تعلیم و تربیت است. یکی رفق و مدارا با کسانی است که با ما اختلاف عقیده و نظر دارند و امید است که بتوانیم آنها را هدایت کنیم. مصداقش تألیف قلوب است. ما اصلاً سهمی در زکات داریم به نام «المؤلفه قلوبهم»، سهمی از زکات به کسانی داده می شود که با ما اختلاف عقیدتی و دینی دارند و امید است نسبت به اسلام خوش بین شوند و این احساس را داشته باشند که ما به آن ها محبت داریم و خیرخواه آن ها هستیم. این هم یک نوع رفق و مدارا است.^۵

مدارا و اقتدار انقلاب های سیاسی، همواره بعد از تشکیل حکومت به دنبال تحقق آرمان های خود هستند، روشن است که هر حکومتی برای تحقق آرمان هایش، نیاز به ابزارها و پیش نیاز هایی دارد و یکی از مهم ترین ابزارها، نیل به قدرت و اقتدار ملی است. آنگونه که مقام معظم رهبری^(مد ظله العالی) می فرمایند: «اقتدار ملی برای یک کشور، حفظ کننده هویت او، مایه عزت او و وسیله رسیدن به آرمان هاست. در سایه اقتدار ملی است که مردم می توانند به قدر استعدادشان و با شکوفایی این استعدادها، تلاش خودشان را مبذول کنند. بنابراین همه باید تلاش کنند که اقتدار ملی را تجلی بخشند».^۶

علامه مصباح یزدی در پاسخ به این پرسش که قدرت و اقتدار حکومت از چه عواملی تشکیل می شود؛ پاسخ می دهند: «در جوامع و حکومت های پیشرفته فعلی قدرت و اقتدار حکومت منحصر به این موارد (قدرت فیزیکی و صنعتی) نیست بلکه در کنار این موارد و در درجه اول، قدرت حکومت ناشی از نفوذ اجتماعی و مقبولیت مردمی آن است زیرا امروزه همه خواسته ها و برنامه ها را نمی توان با زور و قوه قهریه بر جامعه تحمیل کرد و اصل این است که مردم با رضایت و رغبت مقررات را بپذیرند و به اجرای آن گردن نهند. پس متصدی اجرای این قوانین که در رأس این امور قرار دارد باید مورد پذیرش مردم باشد و گرنه در دراز مدت تنها با استفاده از زور و قدرت فیزیکی

^۵ - مناظره علامه مصباح یزدی و حجه الاسلام حجتی کرمانی، ۱۳۷۸

^۶ - پیام نوروزی مقام معظم رهبری به مناسبت حلول سال ۱۳۸۰.

کاری از پیش نمی‌رود. پس مجری برای جلوگیری از بروز اختلال در امر مدیریت و از بین رفتن و تقویت مصالح اجتماعی باید دارای اقتدار و مقبولیت اجتماعی نیز باشد که در فلسفه سیاست به صورتهای مختلفی مطرح می‌شود و معمولاً به مشروعیت اجتماعی و مقبولیت عمومی معروف است. برای دست یافتن به حفظ چنین قدرتی باید روش صحیحی را برای اجرای قانون در پیش بگیرد تا مردم اعتبار قانونی برایش قائل باشند»^(۲)

اقتدار ملی به خودی خود تحقق نمی‌یابد بلکه مولفه‌ها و الزاماتی دارد که در سطوح سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی قابل بررسی است. از مهم‌ترین مولفه‌های اقتدار نظام اسلامی؛ رهبری شایسته در رأس هرم نظام اسلامی، وحدت و انسجام ملی، مشارکت و بسیج سیاسی، امنیت پایدار، تقویت روحیه مومنانه و اخلاق الهی، قدرت نفوذ و تقویت سرمایه‌های اجتماعی را می‌توان نام برد که رأفت اسلامی، رفق و مدارا و تساهل و تسامح پسندیده می‌تواند به تقویت هر کدام از این مولفه‌ها بینجامد:

مدارا: صفت شایسته رهبری

قرآن کریم خوش‌خلقی و مهربانی پیامبر (ص) با مردم، را از عوامل گرایش مردم به آن حضرت، دانسته و گذشت و عفو از خطای مردم و طلب آموزش برای آنان، را نمودی از مهربانی حضرت محمد (ص) می‌داند.^۱

علامه مصباح یزدی در شرح صفات رهبری شایسته می‌گوید: «رهبر باید در اموری که از قبیل هدف و اصول نهضت نیست، تسامح و مدارا روا دارد. همچنین باید نسبت به لغزش‌ها، خطاها، و اشتباهات یاران و پیروان خود، سعه صدر و سهل‌انگاری داشته باشد؛ چراکه همه آنان و حتی والامقام‌ترینشان در حد اعلا علم، اخلاق و عمل نیستند و بالطبع نقاط ضعفی دارند و اگر هریک از آنان به علت نقطه‌ضعفی که دارد طرد شود، پیشرفت حرکت اجتماعی متوقف خواهد شد. خدای متعالی خطاب به پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ؛ «به سبب مرحمت خدای متعالی با آنان نرم [خو] شدی؛ و اگر تندخو و سخت‌دل می‌بودی از پیرامونت پراکنده می‌شدند. از آنان در گذر و برایشان آمرزش بخواه». یعنی ملامت، رفق، و مدارای تو، که شعاعی از رحمت الهی است، مانع پراکندگی مردم و توقف یا کندی نهضت اسلامی است؛ از نقاط ضعف، معایب، و نواقص مردم چشم‌پوش و در گذر؛ و از خدای متعالی نیز بخواه که

^۲ - مصباح یزدی، پاسخ استاد به جوانان پرسشگر، ص ۲۵۲.

^۸ - هاشمی رفسنجانی، فرهنگ قرآن، ج ۲۷، ص ۱۸۸.

^۹ - آل‌عمران، ۱۵۹

ببخشایدشان و روش‌ها و رفتارهای زشتشان را اصلاح فرماید (طبعاً کسی که از خدای متعالی می‌خواهد دیگری را بیمارزد، خود نیز درصدد خیرخواهی و نصیحت، تعلیم و تربیت، و اصلاح او برمی‌آید). همچنین به آن حضرت فرمان می‌دهد که مؤمنان را طرد نکند: «وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ»^{۱۰} کسانی را که بامدادان و شامگاهان پروردگارشان را می‌خوانند و رضای او را می‌خواهند مران؛ برعهده تو چیزی از حساب آنان نیست و چیزی از حساب تو بر عهده آنان نیست که برانی‌شان و از ستمگران شوی»^{۱۱}.

در حقیقت پیشرفت دین در صدر اسلام مدیون خلق عظیم پیامبر اکرم است. پیامبر توانست با این ویژگی، جامعه آن روز که مظهر خشونت و کینه و دشمنی بود متحول سازد و اتحاد، پیوند و الفت در میان آنان برقرار کند و آنان را گرد هم آورد و تحولی را در جامعه جاهلی آن روز ایجاد کند. هیچ چیز به اندازه رفق و مدارا در اصلاح روابط اجتماعی و مناسبات انسانی موثر نیست لذا پیامبر خدا فرمود: «ما جمعیت پیامبران مامور شدیم که با مردم به مدارا رفتار نماییم: «انا امرنا معاشر الانبياء بمداراه الناس كما امرنا باقامه الفرائض»^{۱۲}

پیامبران مامور شدند در روابط اجتماعی و مناسبات هدایتی خویش اینگونه باشند که با رفق و مدارا پر و بال رحمت و محبت خود بگسترانند و اصولاً سیاست الهی پیامبران و راه رسم آنان بر رفق و مدارا استوار است که حضرت امیر مومنان (ع) فرمود: «راس السياسه استعمال الرفق»^{۱۳} لیسر سیاست به کار بردن رفق و مداراست لذا آن حضرت در بیان دیگر فرمود: «نعم السياسه الرفق»^{۱۴} رفق و مدارا خوب سیاستی است.

آن حضرت در توصیه به کارگزاران نیز فرمود: «اذا ملکت فارفق»^{۱۵} هرگاه زمامدار شدی باید رفق و مدارا پیش گیری چه اینکه با رفق و ملایمت مشکلات سخت، برطرف خواهد شد.

^{۱۰} - انعام، ۵۲.

^{۱۱} - مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، بخش دهم: رهبری، ص ۴۴۱.

^{۱۲} - دلشاد، مصطفی، خلاصه سیره نبوی، ص ۲۷۷.

^{۱۳} - غررالحکم، ج ۱، ص ۳۷۲.

^{۱۴} - همان.

^{۱۵} - غررالحکم، ج ۲، ص ۸۹.

این شیوه مستفاد از کلام مولای متقیان حضرت علی است که می فرمایند: «واخلط الشدة بضغث من اللین وارفق ماکان الرفق ارفق و اعترم بالشدة حین تغنی عنک الالشدة»: شدت عمل را با گونه ای از نرمش مخلوط کن و تا آنجا که رفق و مدارا کارساز است مدارا کن و درجایی که چاره ای جز شدت عمل نداری، تصمیم به شدت عمل بگیر. این بدین معنی است که رهبر باید نرمش حداکثری را با شدت حداقلی در سازمان ترکیب کند و در مواجهه با افراد، تا حد امکان نرمش و مدارا نشان دهد و در هنگام ضرورت، شدت عمل نشان دهد.

مقام معظم رهبری در تبیین سلوک سیاسی امیرالمؤمنین (ع) می فرمایند: «سلوک سیاسی امیرالمؤمنین بر پایه‌ی معنویت است و از سلوک معنوی او جدا نیست. اولاً تا حد ممکن با مخالفان خودش، حتی با دشمنان خودش مدارا کرد. اینکه می‌بینید امیرالمؤمنین سه جنگ را در دوران حدود پنج سال حکومت خود مجبور شد و تحمل کرد، بعد از این بود که همه مداراهای لازم انجام گرفته بود. امیرالمؤمنین کسی نبود که بدون رعایت مداراهای لازم با مخالفان، اول دست به شمشیر ببرد.^{۱۷}»

مدارا: عامل وحدت و انسجام ملی، مشارکت و بسیج سیاسی

خداوند در قرآن مجید، با آیاتی همچون «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»^{۱۸} یا «وَإِنْ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً»^{۱۹} اتحاد همهٔ مسلمانان را در سیمای یک امت، یک دین، یک راه، یک قبله و یک هدف مورد توجه و تأکید قرار داده است. بسیاری از عبادت‌های واجب اسلام، مانند حج و نماز جماعت عالیترین مظاهر اتحاد اسلامی هستند. و احکامی چون جهاد، خمس و زکات در جمع و اجتماع معنا می یابند.

به همین منوال، تفرقه‌گرایی مورد نکوهش قرآن بوده تا جائیکه خداوند دامن زدن به اختلافات را مایهٔ نزدیک شدن مسلمانان به مشرکان می داند: «وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِعَابًا»^{۲۰}

همچنین در آیه ۴۶ سوره انفال صراحتاً اعلام می کند که اختلاف، نزاع و کشمکش‌ها باعث تفرقه و تضعیف قدرت جبهه اسلام می شود: «وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»: و

^{۱۶} - نهج البلاغه نامه ۴۶ .

^{۱۷} - خطبه نماز جمعه، ۸۸/۶/۲۰

^{۱۸} - سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

^{۱۹} - انبیاء، آیه ۹۲

^{۲۰} - روم، آیات ۳۱ و ۳۲ .

(فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و **قدرت (و شوکت) شما از میان نرود!** و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت کنندگان است!

پیامبر گرامی اسلام نیز نسبت به تفرقه و جدایی افتادن میان مؤمنان هشدار داده و مسلمانان را یدی واحد می شمارد. آن حضرت می فرماید: «من فارق جماعه المسلمین فقد خلع ربه الاسلام من عنقه» یعنی «هر کس از جماعت مسلمانان فاصله بگیرد، ریسمان اسلام از گردن وی برداشته میشود»^{۲۱}

قرآن مجید به صورت مستقیم و غیرمستقیم با واژگانی چون «امه واحده، فالف بین قلوبکم، لا تفرقوا، لا تنازعوا، لا تتبعوا السبیل، تفریقاً بین المومنین، اختلفوا و تفرقوا» هشدارها و امیدهایی را برای تحقق وحدت بیان نموده است. احادیثی نیز از پیامبر و ائمه ذکر گردیده که بر این مهم تاکید نموده و بیان داشته اند که تنها راه نجات و ماندگاری مسلمانان حفظ «وحدت کلمه» است.

لذا می توان چنین بیان داشت که هرگونه نزاع، تفرقه و دودستگی میان مسلمانان به ناتوانی طرفین درگیر می انجامد و راه را برای دست اندازی کفار و دشمنان هموار می کند؛ درمقابل، رأفت، مدارا و گذشت، می تواند زمینه ساز همدلی و اتحاد شده و منجر به پایداری و دوام امت اسلامی شود.

علامه سید محمد حسین طباطبایی از اتحاد ملی و انسجام اسلامی در اجتماع انسانی با مقوله «وحدت اجتماعی» یاد کرده و از آن به عنوان نیرو و اساس بنیادین جامعه اخلاقی مطلوب نام می برد.^{۲۲}

رهبر معظم انقلاب هرگونه اختلاف و تشنج آفرینی را عامل نابودی امکانات کشور می داند و در بیاناتشان بارها بر ضرورت حفظ وحدت و انسجام ملی و اهمیت آن تاکید نموده اند: «یکی از چیزهایی که حرکت کشور را کند میکند، تفرقه، اختلاف و دست به گریبان شدن است؛ این ایجاد اختلاف یا دامن زدن به اختلاف، جزو گناهان مخصوص طبقه‌ی ماها مجموعه‌ی مسئولان و سیاستمدارهاست»^{۲۳}.

ایشان افراد را در صورت اختلاف رأی و سلیقه به **مدارا** و سازش و پرهیز از دعوا و کشمکش دعوت می کنند: «معنای وحدت اینها نیست. وحدت مردم، یعنی نبودن تفرقه و نفاق و درگیری و کشمکش. **حتی دو جماعتی**

^{۲۱} - مجلسی، محمدتقی، بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۶۷.

^{۲۲} - طباطبایی، محمدحسین، میزان، جلد دوم، ص ۲۸۴.

^{۲۳} - بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۷۵/۷/۱۸.

که از لحاظ اعتقاد دینی مثل هم نیستند، میتوانند اتحاد داشته باشند؛ میتوانند کنار هم باشند؛
میتوانند دعوا نکنند»^{۲۴}.

«هیچکدام از ما مسؤولان نظام نباید اجازه بدهیم که دستهایی، یا از روی عناد و غرض و یا از روی جهالت، در یکپارچگی ملت تفرقه ایجاد کنند و مردم را به دسته‌جات تقسیم نمایند و احوای آنان را با یکدیگر متقابل و متضاد بکنند. این، راههایی دارد. با تشر زدن و دعوا کردن و تهدید کردن، همیشه این مقصود حاصل نمیشود. بیشتر با محبت و جلب قلوب و جذب باید این مقصود را عملی کرد»^{۲۵}.

«وقتی نگرشهای متفاوتی وجود دارد، اگر ما وحدت را به عنوان یک اصل، جزو عالیترین اصول خودمان دانستیم و از ضرورت‌های بالا انگاشتیم، طبیعی است که هر طرفی باید مقداری تنازل بکند. بدون تنازل، امکان ندارد که این مقصود حاصل بشود. هیچ‌کس نباید توقع داشته باشد که اگر کسی طرف مقابل اوست، بکلی از فکر و عقیده و سلیقه و خواست و - اگر خدای نکرده هوایی هست - هوای خود، صرف‌نظر بکند و در بست تسلیم بشود. این، نشدنی است. اگر ما بخواهیم التیام و جمع ایجاد کنیم و از تفرق و ضررهای تفرق پرهیز نماییم، در مواردی
احتیاج به تنازل است. این، یک وظیفه است»^{۲۶}.

ایشان کارگزاران نظام را دعوت به مدارا و گاهی تنازل در خواسته‌ها می‌نمایند و آن را مایه حفظ اتحاد و یکپارچگی نظام می‌دانند: «اتحاد و نزدیک شدن به هم، تنازل لازم دارد. نمیشود که ما همان جای خودمان بایستیم، دیگری هم همان جای خودش بایستد، و بعد بگوییم که به یکدیگر نزدیک بشویم. نزدیکی به این است که یک قدم شما بردارید، یک قدم هم او بردارد»^{۲۷}.

معظم له در مواجهه با اختلاف‌های عقیدتی و مذهبی، در مواردی که طرفین برای خود حقانیت قائلند، برای حفظ رکن رکین وحدت و یکپارچگی توصیه به تنازل در امور و مدارای مدبرانه می‌کنند: «در مقابل کسانی که حرفهایی دارند، باید قدری تنازل کرد. اگر هر گروهی بخواهد همه‌ی توقعات خودش را تحقق ببخشد، معلوم است که نخواهد شد. بایستی بر یک امر متفق‌علیه گرد بیایند، تا بتوانند آن موجودیت واحد را تشکیل بدهند»^{۲۸}.

^{۲۴} - بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۷۹/۱/۲۶.

^{۲۵} - بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۶۹/۱۲/۱.

^{۲۶} - همان.

^{۲۷} - بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۷۰/۵/۲۳.

^{۲۸} - بیانات در دیدار جمعی از شیعیان پاکستان ۷۰/۱۰/۱۶.

علامه مصباح یزدی در تبیین صفات و وظایف لازم رهبری یکی از وظایف رهبر را جلوگیری از اختلاف و افتراق نیروها می‌داند: «ناگفته پیداست که همه نیروها از لحاظ علم و دانش، عقل و تدبیر و ژرف‌اندیشی و آخربینی، و اخلاق و گرایش، در یک حد و رتبه نیستند و آرا و عقاید و ذوق و سلیقه‌های یکسان ندارند؛ و این همه موجب خواهد شد که در مقام عمل، اصطکاک‌ها، تضادها و تراحم‌ها، و تصادم‌هایی روی دهد. یکی از وظایف بسیار عمده و حیاتی رهبر این است که بعد از تعیین محور حق، یعنی هدف نهایی و اصول و موازین غیرقابل تغییر، همه نیروها را در حول آن محور گرد آورد، و به هیچ‌وجه نگذارد که اختلاف‌فشان شدت و حدت یابد و گروه را به پراکندگی و از هم پاشیدگی دچار کند. با توجه به اینکه بزرگترین آرزوی دشمنان هر نهضت اجتماعی و مؤثرترین مخالفتی که با آن می‌توانند کرد، همانا ایجاد ناهماهنگی و اختلاف در میان اعضا و نیروهای آن نهضت است، رهبر باید نهایت سعی خود را به کار زند تا حتی‌المقدور، اختلافات موجود در بین نیروها تقلیل و تخفیف یابد و مانع نیل به هدف نهایی نگردد»^{۲۹}

ایشان همچنین در پاسخ به نحوه مواجهه با اختلاف‌ها، راه حل را **تحمل، گفتگو و مدارا** می‌داند: «توجه به این مسئله باعث می‌شود که خودمان را واکسینه کنیم؛ یعنی خودمان را آماده کنیم تا این نقشه شیطان را (ایجاد تفرقه) نقش بر آب سازیم. راهش نیز این است که اگر انسان اشتباهی از کسی دید، **تحمل و مدارا** کند و با سعه صدر با او مواجه شود و بکوشد آن اشتباه را برطرف سازد؛ اما برخورد تند و حذفی و اظهار نفرت برای دوستان، زشت، خلاف هدف و نقض غرض است». ایشان با بیان این که هر کجا انسان احتمال می‌دهد که ارتباط داشتن با دیگر گروه‌ها می‌تواند بیشتر سبب تحقق هدف الهی و تقویت نظام اسلامی شود، باید اقدام کند.^{۳۰}

آنچه از بیانات مقام معظم رهبری و علامه مصباح یزدی به دست می‌آید تاکید بر مدارا و تنازل در امور، در موارد مورد اختلاف با محبت و جذب قلوب است که زمینه ساز کاهش تنش در جامعه و تقویت وفاق و وحدت جامعه می‌گردد.

مسلم است که هر چه اختلافات داخلی در جامعه ای کمتر باشد، بستر مشارکت‌های سیاسی برای طیف گسترده تری از جامعه فراهم می‌شود. مشارکت سیاسی از بنیاد‌های مردمی بودن حکومت‌ها و از جمله مولفه‌های اثر

^{۲۹} - مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از نگاه قرآن بخش دهم: رهبری، ص ۴۳۶.

^{۳۰} - مصباح یزدی، تحمل، مدارا و گفت‌وگو، نحوه مواجهه با اختلاف‌ها، سخنرانی ۹۴/۱/۲۷.

گذار بعد سیاسی قدرت ملی می باشد. مشارکت سیاسی نه تنها زمینه ساز تقویت مشروعیت و کار آمدی قدرت سیاسی ، بلکه موجب بهره گیری از ظرفیت اجتماعی موجود در جامعه در راستای تقویت اقتدار ملی می باشد .

مدارا: عامل امنیت پایدار

امنیت از نیازهای اساسی بشر است که بدون آن امکان برآورده شدن سایر نیازها نیست. خداوند امنیت را نعمتی الهی میداند و بر انسان منت می گذارد که به او امنیت داده است. خداوند متعال در قرآن میفرماید: «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین خود قرار دهد؛ همانگونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند[تا] مرا عبادت کنند چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید آنانند که نافرمانند». اگر آیه ای دیگری فرماید: «و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود و روزیش از هر سو فراوان میرسید، پس [ساکنانش] نعمتهای خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای آنچه انجام میدادند طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشاند». همچنین در آیه ۸ سوره مبارکه تکوین فرموده است که «پس در روز قیامت از نعمتها از شما سؤال خواهد شد.» حضرت امام صادق (ع) درباره این آیه فرمود: «مقصود از نعمتها که در قیامت از انسان درباره آنها سؤال میشود امنیت و سلامتی و ولایت حضرت علی (ع) است».^{۳۳}

علاوه بر این، از دیدگاه معصومین، وطنی دارای ارزش و خیر است که دارای امنیت باشد و اصولاً کشور ناامن مورد توجه هیچکس قرار نمیگیرد و رو به نابودی است. در روایتی منسوب به پیامبر اعظم (ص) آمده است: «نعمتان مکفورتان: الأمن و العافیه» سپاس دو نعمت به جا آورده نشده است و مورد ناسپاسی و ناشکری واقع شدهاند: امنیت و عافیت).^{۳۴}

شکی نیست که اقتدار و قدرت هر جامعه ای ، رابطه نزدیک و مستقیمی با امنیت درونی و بیرونی آن جامعه دارد. در سایه امنیت است که جامعه امکان رشد بالندگی حرکت رو به جلو و قدرتمند شدن را پیدا میکند. رهبری در این زمینه می فرماید: «یک خواسته مهم بزرگ اساسی دیگر بشر صلح و امنیت و آرامش است. انسانها

^{۳۱} - نور، آیه ۵۵.

^{۳۲} - نحل، آیه ۱۱۲ .

^{۳۳} - مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۳۵ ، ص ۴۲۶ .

^{۳۴} - همان ، ج ۸۱ ، ص ۱۷۰ .

برای زندگی، برای پرورش فکر، برای پیشرفت عمل، برای آسایش روان، احتیاج دارند به آرامش، به محیط و فضای امن و آرام؛ چه درون خودشان، چه محیط خانواده، چه در محیط جامعه، چه در محیط بین الملل. آرامش و امنیت و سلامت و صلح یکی از خواسته های اساسی بشر است. اسلام پیام آور امنیت و صلح و سلامت است»^{۳۵}

چنانچه گفته شد علامه مصباح ، در معرفی عوامل اقتدار، نفوذ اجتماعی و مقبولیت مردمی را از مهم ترین عوامل نام می برند و متولیان و مجریانی که در رأس امور جامعه قرار می گیرند را، برای حفظ این مهم به روشهای صحیح اعمال قدرت توصیه می کنند: «امروزه همه خواسته ها و برنامه ها را نمی توان با زور و قوه قهریه بر جامعه تحمیل کرد و اصل این است که مردم با رضایت و رغبت مقررات را بپذیرند و به اجرای آن گردن نهند. پس متصدی اجرای این قوانین که در رأس این امور قرار دارد باید مورد پذیرش مردم باشد وگرنه در دراز مدت تنها با استفاده از زور و قدرت فیزیکی کاری از پیش نمی رود. پس مجری برای جلوگیری از بروز اختلال در امر مدیریت و از بین رفتن و تقویت مصالح اجتماعی باید دارای اقتدار و مقبولیت اجتماعی نیز باشد که در فلسفه سیاست به صورتهای مختلفی مطرح می شود و معمولاً به مشروعیت اجتماعی و مقبولیت عمومی معروف است. برای دست یافتن به حفظ چنین قدرتی باید روش صحیحی را برای اجرای قانون در پیش بگیرد تا مردم اعتبار قانونی برایش قائل باشند»^{۳۶}. واضح است که یکی از راهکارهای حفظ مقبولیت حکومت ، پرهیز از خشونت های نا بجا ، رحمت ، رأفت و مدارای اسلامی ست . مقام معظم رهبری نیز در توصیه به نیروی انتظامی به عنوان یکی از متولیان ایجاد امنیت جامعه، مدارا و رأفت اسلامی را ، یکی از ابزارهای ایجاد امنیت معرفی می کنند: « خصوصیت سوم نیروی انتظامی [رحمت و مهربانی است. باید نسبت به مردمی که می خواهید از خانه، جاده، امنیت، مرز و کسب و کار آنها محافظت کنید، احساس رأفت و رحمت داشته باشید»^{۳۷}

« این اقتدار [نیروی انتظامی] با ادب، با مهربانی، با تدین، مظاهر دیانت در اظهارات، در رفتار، در منش نشان داده شود. این تأثیر میگذارد روی مردم»^{۳۸}

^{۳۵} - بیانات در دیدار مسئولان نظام ، ۸۹/۹/۱۹ .

^{۳۶} - مصباح یزدی ، پاسخ استاد به جوانان پرسش گر ، ص ۲۵۲ .

^{۳۷} - بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی ۷۴/۴/۲۱ .

^{۳۸} - بیانات مقام معظم رهبری ، ۸۴/۱۲/۱۵ .

مدارا: تقویت اخلاق الهی

اهتمام آیات الهی به مساله اخلاق و تهذیب نفوس به عنوان مساله ای زیربنایی و اساسی ست که بر تمام احکام وقوانین اسلامی سایه می افکند. با توجه به آیه ۱۵۹ سوره آل عمران: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» اثر حسن خلق تنها در بعد الهی و معنوی نیست بلکه اثر وسیعی در زندگی انسان ها دارد .

برای بیان مبانی قرآنی نقش اخلاق در اقتدار جامعه اسلامی باید مصداق های آن را مورد بررسی قرار داد. از جمله مصادیق اخلاق صبر و مدارا ست که قرآن به اقتدار آفرینی صبر در آیاتی چند اشاره می کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»^{۳۹} استعانت در جایی به کا می رود که انسان به تنهایی نتواند کار خودش را انجام دهد . درچنین شرایطی خداوند امر می نماید که از صبر و نماز کمک گرفته شود؛ گویی صبر و نماز را در شرایط ضعف و استیصال، عامل قدرت انسان می داند. مدارای با خلق و تحمل ناملایماتی که انسان در تعاملات با افراد مواجه می شود از مصادیق صبر است که قدرت درونی انسان را در تحمل سختی ها تقویت نموده و ثمره اش اقتدار درونی و نفسانی افراد است.

در یک دسته بندی می توان عوامل اقتدار جامعه را به عوامل مادی و معنوی تقسیم نمود . در دیدگاه رهبری عوامل معنوی اقتدار ملی جمهوری اسلامی، ریشه در تعالیم اسلامی دارند. و یکی از عوامل اقتدار آفرین در بیانات مقام معظم رهبری، اخلاق است: «البته اقتدار یک ملت فقط به نیروهای مسلح نیست. اقتدار ملت، یک حقیقت چندجانبه است؛ نیروهای مسلح، آن خط مقدم تحرک و نشانه‌ی اقتدار ملتند. اما یک ملت از لحاظ دانش باید پیشرفته باشد، از لحاظ اخلاق، از لحاظ ایمان، از لحاظ عزم و اراده، تا بتواند اقتدار خود را حفظ کند»^{۴۱}

ایشان اخلاق نیکو و تهذیب اخلاق را برای همه اقشار لازم می دانند و تامین اهداف جامعه از قبیل اقتدار رادر گرو تربیت فردی و تهذیب اخلاقی همه ملت می دانند.^{۴۲}

^{۳۹} - بقره، آیه ۱۵۳ .

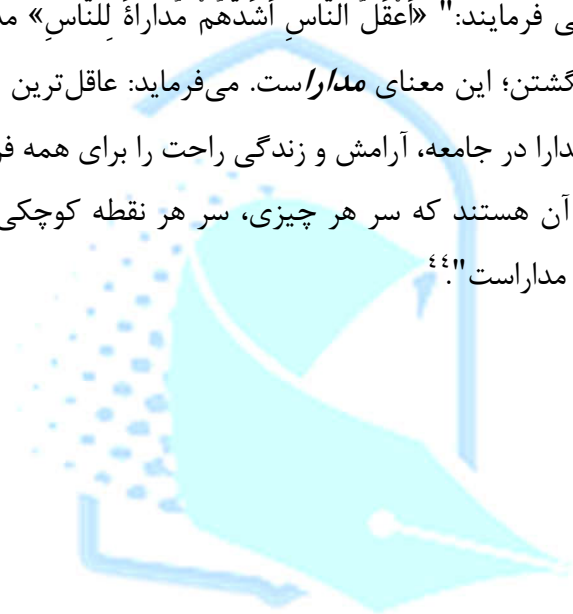
^{۴۰} - خطبه های نماز جمعه، ۸۸/۶/۲۰ .

^{۴۱} - بیانات در دانشکده علوم دریایی نوشهر، ۸۸/۷/۱۴ .

^{۴۲} - پیام به مناسبت گردهمایی سالیانه نماز، ۷۴/۶/۱۴ .

معظم له در تبیین منش سیاسی امیرالمؤمنین(ع) می فرمایند: «سلوک سیاسی امیرالمؤمنین (ع) از سلوک معنوی و اخلاقی او جدا نیست؛ سیاست امیرالمؤمنین هم، آمیخته‌ی با معنویت است، آمیخته‌ی با اخلاق است، اصلاً منشأ گرفته‌ی از معنویت علی و اخلاق اوست. اولاً تا حد ممکن با مخالفان خودش، حتی با دشمنان خودش مدارا کرد. اینکه می‌بینید امیرالمؤمنین سه جنگ را در دوران حدود پنج سال حکومت خود مجبور شد و تحمل کرد، بعد از این بود که همه مداراهای لازم انجام گرفته بود. امیرالمؤمنین کسی نبود که بدون رعایت مداراهای لازم با مخالفان، اول دست به شمشیر ببرد».^{۴۳}

رفق و مدارا از مصادیق بارز اخلاق حسنه و از ثمرات برجسته آن می باشد. مقام معظم رهبری در بیانی با اشاره به حدیثی از رسول اکرم(ص) می فرمایند: " «أَعْقَلُ النَّاسِ أَشَدُّهُمْ مُدَارَاةً لِلنَّاسِ» مدارا یعنی راه آمدن با مردم و دنبال نقطه اشتداد و اختلاف نگشتن؛ این معنای **مداراست**. می‌فرماید: عاقل‌ترین مردم کسی است که بیشتر از همه با دیگران مدارا کند؛ زیرا مدارا در جامعه، آرامش و زندگی راحت را برای همه فراهم می‌کند. برخلاف کسانی که دنبال سخت‌گیری با این و آن هستند که سر هر چیزی، سر هر نقطه کوچکی سخت‌گیری کردن، بگو مگو کردن، این درست نقطه مخالف مداراست" ^{۴۴}.



^{۴۳} - خطبه های نماز جمعه ۸۸/۶/۲۰ .

^{۴۴} - <https://www.tasnimnews.com>

نتیجه گیری

با توجه به آنچه که با استناد به متون اسلامی و بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) و دیدگاه های علامه مصباح یزدی گفته شد، «مدارا» اصل اخلاقی حاکم بر تعالیم اسلامی و جزء لاینفک حاکمیت در اداره امور است. مدارا یک اصل حقوقی و سیاسی است که زندگی صلح آمیز افراد و گروهها با عقاید متفاوت و شیوه عمل متمایز در درون یک جامعه معین را ممکن می سازد. هر جامعه ای با توجه به تنوع قومیتی دینی،

ساختار خاص شهری و روستایی در معرض تنش ها و گسسته های اجتماعی و سیاسی است که آسیب مهمی برای انسجام و یکپارچگی آن جامعه و به تبع آن تقلیل نیروها و کاهش اقتدار و قدرت آن جامعه محسوب می شود. مدارا به عنوان یک مؤلفه اساسی برای سرمایه اجتماعی، مانع هنجارشکنی، ارزش گریزی و گسسته های اجتماعی و سیاسی می شود.

علامه مصباح یزدی (ره)، مدارا، رأفت، رحمت و دلسوزی را صفت شایسته و لازمه رهبری می دانند و با تاکید بر تفاوت بین مدهانه و سازشکاری با رفق و مدارا آن را باعث تقویت مقبولیت و مشروعیت حاکمیت و افزایش قدرت اجتماعی و سیاسی جامعه می داند.

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) با تاکید فراوان بر لزوم حفظ وحدت و اتحاد در جامعه، به عنوان مولفه مهم اقتدار ملی، متولیان اجرای امور را در برخورد با مردم توصیه به مدارا و رأفت می نمایند و آن را اصل اخلاقی حاکم بر منش سیاسی امیر المومنین (ع) معرفی می نمایند. معظم له، اخلاق را حاکم بر سیاست می دانند و یکی از عوامل اقتدار جامعه را عامل معنوی اخلاق می دانند.

اهمیت اصل اخلاقی مدارا و حاکمیت آن بر گستره وسیعی از تعاملات، باعث شده کتب، مقالات و پژوهش های متعددی در این زمینه تالیف و تدوین شود؛ با این همه پیشنهاد می شود پژوهش هایی حول محور چگونگی و حدود و ثغور به کارگیری رفق و مدارا، توسط متولیان و مجریان امور حاکمیت، به تفکیک منصب و متناسب با مسوولیت آنان صورت پذیرد و یا پژوهشی در چارچوب ارائه منشور اخلاقی، سیاسی، اجرایی برای متولیان امور، تدوین گردد.

منابع

کتابها:

۱. قرآن

۲. نهج البلاغه

۳. امری تمیمی ، عبدالواحد ، غررالحکم و دررالکلم wikinoor.ir

۴. دلشاد ، مصطفی ، خلاصه سیره نبوی ، انتشارات دریا ، تهران ، اول ، ۱۳۵۲ ه. ش.

۵. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، زیر نظر جعفر شهیدی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ه. ش.

۶. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق محمد سید گیلانی، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

۷. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ه. ق.

۸. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، موسسه الوفا ، بیروت ، ۱۴۰۴ ه. ق.

۹. مصباح یزدی ، محمدتقی ، پاسخ استاد به جوانان پرسشگر ، مدارا و خشونت در اسلام

mesbahyazdi.ir:

۱۰. _____ جامعه و تاریخ از نگاه قرآن .

۱۱. _____ ره توشه.

۱۲. _____ انقلاب اسلامی و ریشه های آن.

۱۳. _____ مناظره با حجه الاسلام حجتی کرمانی .

۱۴. _____ سخنرانی :نحوه مواجهه با اختلاف ها:تحمل ، مدارا ، گفتگو .

۱۵. _____ نظریه سیاسی اسلام .

۱۶ . هاشمی رفسنجانی ، علی اکبر ، فرهنگ قرآن ، <https://lib.eshia.ir> ،

مقالات :

۱. آقا پیروز، علی، "رهبری در مدیریت اسلامی اسلام و پژوهش های مدیریتی"، سال اول، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۰.

۲. رضی بهابادی ، بی بی سادات ، "مبانی قرآنی عوامل معنوی اقتدار ملی از نظر مقام معظم رهبری"، پژوهش های سیاست اسلامی، سال هشتم ف شماره ۱۷ ، تابستان ۱۳۹۹.

۳. شایگان ، فریبا ، "امنیت پایدار از دیدگاه مقام معظم رهبری"، فصل نامه آفاق امنیت ، سال پنجم، شماره ۴، بهار ۱۳۹۱.

۴. کاظمی ، احسان، "راهبردهای سیاسی تقویت اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران"، فصل نامه علمی راهبرد دفاعی ، سال هفدهم، شماره ۶۷، پاییز ۱۳۹۸ .

۵. مروتی ، سهراب ، "مبانی نظری مدارا در قران کریم و سنت معصومین (ع)"، فصل نامه علمی پژوهشی انجمن معارف اسلامی ، ج ۲، شماره ۳، تابستان ۱۳۸۵ .

سایت ها :

سایت مقام معظم رهبری : <https://farsi.khamenei.ir>

سایت علامه مصباح یزدی : <https://mesbahyazdi.ir>

<https://www.tasnimnews.com>

<https://lib.eshia.ir>

